

بقلم : آقای دکتر علی مظاهری

استاد دانشگاه پاریس (بقیه از شماره قبل)

چند اصطلاح حسابداری از قرن هشتم

مولانا (آملی) از حکمای روزگار (الجایتو) که در دانشگاه (سلطانیه) سمت تدریس داشت و دائره المعارف مسماة به (نفایس الفنون فی عرایس العیون) که اول بار بروز گار مظفر الدین شاه در طهران چاپ شد بچاپ سنگی عمده تألیفات اوست اول کسی است تا آنجا که فقیر اطلاع دارد که این (نردبان پایه) را و اختراع آنرا از طرف دبیران ایران یاد می کند و علی الاجمال می گوید که طرز حسابداری که در روزگار عباسیان معمول بود موجب شدی که مغولان را صورت بستی که دبیران مسلمان بعضی ارقام را از مال دیوان برده و خورده اند و دبیران را سیاست کردند علیهذا دبیران این طرز محاسبه را ابداع کردند که مسمی است به (نردبان پایه) و درین طریقه ارقام (منہات) و (من ذلکات) را تکرار نمی کنند چنانکه در طرز معمول به دوره عباسیان کردند .

چون این ساعت که این سطور سمت تحریر می یابد بنده بقرار هر سال بدریا کنار میباشد گذاردن ماههای تابستانرا و از کتبخانه خصوصی خود دورست متن (آملی را در زیر نظر ندارد تا که بعینه نقل کند و نیز مراجعه کند به (حمدالله مستوفی) مگر در او نیز اشاره به (نردبان پایه) پیدا گردد .

لکن یادداشتی چند همراه است (از رساله فلکیه) و مؤلف رساله در صفحه

۵۱ می گوید :

« و بعضی ازمأخران خواستند که بدانچه مقصودست اکتفا کنند و مکررات را حذف نمایند صورت (منها) و (من ذلک) را تغییر کردند و جهة اختصار و ترک تکرار (نردبان پایه) بنیاد نهادند و قاعده پیشتر این بود که محاسبه را شعبه آمیز می نوشتند بنوعی که نوشته خواهد شد . »

و در موضوع دیگر گوید :

« وفایده (منها) و (من ذلك) و موجب وضع این عزیزان که بنیاد نهاده اند از آن بود که اگر کسی خواهد که تخلیطی کند چون در چند موضع حک و اصلاح افتد آن تخلیط علی العجاله ظاهر شود بخلاف (نردبان پایه) که در آنجا حک و اصلاح بسیار نیفتد و اکنون دبیران بیشتر حساب را بطریق (نردبان پایه) نویسند (از تقریر مثال او چون بخط سیاقی بود خود داری شد) و فی الحقیقه لطافت و بلاغت و وضاحت در طریقه نردبان پایه بفرآوان مرتبه از قاعده منها و من ذلك بیش ترست ».

اصطلاح (منها) را حاجت بتفسیر نخواهد بود چه معاصران ما نیز آن را از سیاق وارد حساب کرده میان (مفروق منه) و (مفروق) بگفته خداوندان حساب (و منقوص منه) و (منقوص) بگفته خداوندان جبر و مقابله خط کوچکی نهاده اورا (منها) یا (منهای) می خوانند و این همانا که تعبیر متأخران (طهارنه) باشد ظاهراً از (دارالفنون) باینظرف و گرنه در مصطلح پیشینیان جزء ارقام یا اقلام خرج (منها) و کلا (منهات) گفته میشد و از فرود آن خطی بر کشیدندی بشکل رقم ۸ (هشت) هندسه مضافاً بلفظ (بعده) و آنچه را که معاصران ما (باقیمانده) خوانند آنجا ثبت گردانیدندی چنانکه در مورد ارقام جمع زده بیکدیگر لفظ (الجمله) نوشتندی و آنچه را که ما حاصل ضرب نامیم ایشان (مبلغ) گفتندی و قبل ازو لفظ (یکون) نهادندی یعنی (میشود) یا (میباشد) و حال آنکه (دارالفنونیان) بجای اینهمه اصطلاح (مساویست به) را داخل گردانیده اند و اصل اورا فرنگان (اطالیا) از خداوندان اسلامی جبر و مقابله بعاریت بر گرفته بوده اند لکن آنها می گفتند (یعدل) و بجای علامت او (سه نقطه) مینهادند بر شکل مثلثی که رأس او از بالا باشد.

القصة دبیران ایران زمین زیر قلم دخل يك (منها بزرگ) رسم کردندی بخط افقی بعرض ورقه کاغذ و (منهات) جزء جزء را در زیر آن (منها بزرگ) نهادندی.

و چون توضیح و توجیه این ارقام را خواستندی دادن هر کدام را از این توجیها (من ذلك) و کل آنرا (من ذلکات) خواندندی که با (فذلک) و (فذلکه) باید مقایسه کرد که آن اصطلاح عهد سامانیان و آل بویه خواهد بود و (الباقی) را بر شکل (مد) در زیر همه نوشتندی .

بناچار دو اصطلاح (حشو) و (بارز) را بروزن حق و باطل نیز باید در اینجا تفسیر کنیم .

مراد از اولی بهره هر کس بودی از يك خرج کلی و مراد از دومی حاصل ضرب آن بهره بودی در بهای هر واحدی از آن خواسته و در میان هر دو ان يك فی نهادندی که (فیات) یعنی جمع او هنوز در ترکی اسلامی محفوط میباشد که گویند (بو کتاب فیاتی تقدردر ؟) یعنی این کتاب (مظنه) اش بچند یعنی هر جلدش بچند لکن اگر محفوط منحصر بفرد باشد پرسند (بو کتاب بهاسی تقدردر) بهای او چند است ؟

مثال (بارز) گوسفند ۷۰۰ رأس (فی) ۴ دینار (یکون) ۲۸۰۰ دینار -
مثال (حشو) لفلان گوسفند ۳۰۰ رأس (فی) ۴ دینار - بدون قید حاصل ضرب و وقتیکه هر دو را بقید آوردندی (حشو مع البارز) گفتندی والا (حشو مطلق) و این ارقام را پیوسته در پایان ورقه بر نوشتندی حشو مطلق را از جانب راست و بارز را از جانب چپ و حشومع البارز را از هر دو جانب .

و این فقیر را ظن مقرون بیقین حاصلست که لفظ (بارز) مانند غالب اصطلاحات فنی اسلامی تعریب لفظی و کلمه فارسیست از آن ساسانیان و مرکبست از (با) بمعنی مع عربی و اخواتها و (ارز) یا (ارژ) بمعنی (ارج) یعنی قیمت و سعر چیزی .

و اصلا (با ارج) یا (بارز) بوجه بودست و تازیان آنرا (بارز) بروزن فاعل گرفته اند و خلط کرده اند با (برز-مبرز) و (بارزیبارز) که خود مشتقست از (برزیدن) دری و (فرخی گوید :

گرسیستان بنازد بر شهرها (برازد) زیرا که سیستان را باشد بخواجه مفخر مع القصه (دیران و اماره گیران اسلامی که غالباً از ایرانیان بودند ازین کلمه (ارج) که (ارجمند) از بقایای اوست فعل عربی (تأریج) را بر ساخته اند و این فعل در همین (رساله فلکیه) موجودست لکن استاد (هنظر) اشتبهاً اورا (ستون جمع) معنی می کنند.

خواجه غیاث الدین جمشید کاشی صاحب (مفتاح الحساب) و موجد اصلی زیج گورگانی و استاد (میرزا الغ بیگ) آنچه را که دارالفنونیان (مخرج مشترك گرفتن) از چند کسر اصطلاح کرده اند و مراد علی الولا ضرب مخارج است در یکدیگر (ضرب التأریج) می نامند.

حاشیه: فی توحید المخارج - فی اخذ الكسور المختلفه من مخرج واحد و يقال لهذا العمل (ضرب التأریج) وهو طلب اقل عدد تصح منه الكسور المفروضه الخ - و این خود یکی دلیلت از هزاران دیگر که علمای نجوم و صاحبان فنون حساب و هندسه پیوسته اصطلاحات خود را از اماره گیران و نجاران و معماران بعاریت گرفتندی.

مثلاً تا بعد (شاهرخ) و غیاث الدین لفظ (کسر) هم بمعنی امروزی آن بود و هم بمعنی آنچه ما اورا (صورت کسر) نامیم و فقیر را خیال چنان بسته بود که این کلمه صورت مصطلحات دارالفنونیان است تا اینکه اورا در چند کتاب خطی فارسی از جمله در (خلیل ابراهیم) معاصر شاه اسمعیل و مختزع حقیقی (سیستم مطریک) و در (محمود هروی) و در چند مؤلف دیگر باز یافتیم که محمود هروی معاصر سلطان (حسین بایقرا) از همگی قدیمترست.

و اگر مسلمانان دعا کنند و حضرت پروردگار اورا طول عمر عطا فرماید فقیر فرهنگی را که از اصطلاحات اماره گیران و محاسبان و ریاضی دانان اسلام و علی الخصوص ایران در شرف گرد آوردن است پیرانه سر باتمام خواهد رسانید و من الله التوفیق و علیه التکلان.